



بررسی روش‌های تربیت غیرمستقیم مناسک دینی از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام با تأکید بر ترویج نماز

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸

سید ابراهیم مرتضوی^۱؛ زهره زارعی^۲

چکیده

تربیت غیرمستقیم، گونه‌ای از تربیت است که با هدف پایایی و پویایی آموزه‌های دینی در وجود متربی (فرزند)، گزاره‌ها را به بخش ناخودآگاه ذهن و ضمیر ناخودآگاه او که مورد تأیید قرآن نیز است، منتقل می‌کند و ثمره آن، پرورش انسانی پویا و علاقه‌مند به دین است. این پژوهش با مد نظر قرار دادن مسئله «دگرسانی، روزآمدسازی و چندپایانی» در تربیت و به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از قرآن کریم و منابع ماثور فریقین، نقش تربیت غیرمستقیم را در سوق دادن متربی به نماز واکاوی کرده و به این نتیجه رسیده است که خداوند متعال و پیشوایان اسلام برای انتقال و ملکه‌سازی آموزه‌های دینی که نماز نیز یکی از آنهاست، علاوه بر اینکه با گفتار صریح و مستقیم، به متربی امر یا سفارش می‌کردند، از روش غیرمستقیم نیز که متکی بر رفتار، روش‌های غیرگفتاری و هنر است، بهره می‌بردند. الگوبرداری از این سیره، اهمیت به کارگیری روش غیرمستقیم در خانواده را برای سوق دادن فرزندان به نماز نشان می‌دهد. این هدف با راهکارهای مختلفی مانند استفاده از تمثیل و تشبیه، بی‌اعتنایی و کم‌توجهی، تکریم شخصیت، غرق کردن متربی در محبت، تحمیل نکردن گزاره، تغییر چهره، نمایش و رسانه، تصویرسازی، هدیه دادن، توجه به ابعاد رفتاری، بهره‌گیری از شعر، قصه‌پردازی و... قابل تحقق است.

کلیدواژه‌ها: تربیت اسلامی، روش‌های تربیت، آموزش نماز، آموزش عبادت.

۱ دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک: si.mortazavi@yahoo.com
۲ کارشناس ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول): Zohree9595@gmail.com

مقدمه

از نگاه دین اسلام، هدف از خلقت انسان عبادت است (ذاریات، ۵۶). عبادت، گونه‌ها و مراتب مختلف دارد، اما یکی از بارزترین و برترین مصادیق آن نماز است که جزو بهترین اعمال بوده (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۱: ۱۳۳)؛ ستون دین محسوب می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۲۶۶)؛ شرط قبولی اعمال دیگر است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۲۶۸) و محبت خداوند را به دنبال دارد (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۴۲). تربیت متربی و سوق دادن او به آموزه‌های دینی به شکل عام و تشویق به امر نماز به شکل خاص، پیوند تنگاتنگی با روش تربیتی به کار گرفته شده توسط مربی دارد. به طور کلی، روش‌های تربیتی اسلام به دو گونه «مصرح» و «غیر مصرح» تقسیم می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۰۱) و هر یک از آن‌ها، در دو دسته «مستقیم» و «غیرمستقیم» قرار می‌گیرد.

این مقاله در صدد است به روش توصیفی تحلیلی، ظرفیت تربیت غیرمستقیم و روش‌های آن در تشویق متربی (فرزند) به آموزه‌های دینی را با تأکید بر نماز واکاوی کند و با استخراج گزاره‌های آن از منابع اسلامی به بحث در این زمینه بپردازد. شایان ذکر است که برخی از موارد مطرح شده در مقاله ممکن است از یک بعد، گونه یا روش تربیتی مستقیم تلقی شود و برخی دیگر غیرمستقیم، اما این نکته وجود دارد که از یک گزاره می‌توان دو تلقی داشت و این به نحوه به کارگیری آن توسط مربی بستگی دارد.

پیشینه پژوهش

درباره تشویق متربی به نماز، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. به عنوان نمونه، سادبی (۱۳۸۱) در مقاله «بررسی عوامل مؤثر در ترغیب دانش آموزان به نماز»؛ مصباح (۱۳۹۷) در نوشتار «نقش مادران مذهبی در ترغیب فرزندان به نماز» و یارمحمدی (۱۳۹۰) در مقاله «شیوه‌های ترغیب و جذب کودک به نماز با محوریت خانواده» درباره ترغیب به نماز نکاتی را بیان کرده‌اند. درباره تربیت غیرمستقیم، مقالاتی اندک و

ناقص نگاشته شده است؛ چنان‌که باقری (۱۳۶۵) در نگاشته خود به نام «نقد و بررسی فنون تربیت کودک»؛ رشیدپور (۱۳۶۹) در مقاله «تربیت غیرمستقیم»؛ کریمی (۱۳۷۵) در «ملاحظات در تربیت دینی؛ شکران (۱۳۸۷) در مقاله «سیره تربیتی انبیا در قرآن» و موگهی (۱۳۸۰) در بحث «روش‌های تربیت دینی»، به این مسئله پرداخته‌اند، اما این مقالات، علاوه بر اینکه تصویری بسیار ناقص از مقوله تربیت غیرمستقیم ارائه داده‌اند، به بیان هیچ شاهد و گزاره‌ای درباره نماز نیز پرداخته‌اند. مقالات دیگری نیز با عنوان «تربیت غیرمستقیم» در سایت‌های مختلف منتشر شده که مشخصه بارز آن‌ها نیز معرفی اشاره‌وار، بسیار موجز و غیرمستند از تربیت غیرمستقیم است و از ابعاد کمی و کیفی با مقاله حاضر تفاوت دارند.

۱. تربیت غیرمستقیم

تربیت، مصدر باب تفعیل از ماده «ربو»، به معنای «افزودن و پرورش دادن» است که با باب تفعّل از همین ماده، و نیز با ماده «رَبَب» و «رَبَّ» مترادف معنایی دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۳۰۷). در فرهنگ دهخدا نیز معنای «پروردن و پروراندن» برای آن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۵۵۰). در تعریف یونسکو آمده است: «آموزش برنامه‌ریزی شده و مداوم که برای انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و درک فهم‌ها طراحی شده و برای همه فعالیت‌های زندگی ارزشمند است» (داوودی، ۱۳۸۵: ۱۳) و در اصطلاح عبارت است از: «ایجاد تغییرات مطلوب و تحولات ثمربخش در محیط زندگی انسان به‌منظور ساختن او و شکفتن استعدادهایش» (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۰۱) در تعریف دیگری آمده است: «تربیت، فعالیت‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای است که نهادهای آموزشی جامعه انجام می‌دهند» (همان).

مراد از تربیت در این مقاله، با نظر به معنای لغوی و برخی واژگان کلیدی تعاریف اصطلاحی فوق و تعاریف دیگری که یکی از ارکان تربیت را «انتقال دهی مفاهیم ارزشمند به متربی» ذکر کرده‌اند (ر.ک: هرست و پیترز، ۱۳۸۹: ۹۳)، پرورش دادنی است که از

طریق انتقال مفاهیم صورت می‌گیرد و به سن، صنف یا مخاطب خاصی اختصاص ندارد و می‌تواند همگان را دربرگیرد و هدف آن توسعه ویژگی‌های مطلوب در متربیان است (Hirst & Peters, 1989:p.19).

قرار گرفتن «غیرمستقیم» در کنار واژه «تربیت»، ترکیبی وصفی را شکل می‌دهد که آن را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: تربیت غیرمستقیم، نوعی از تربیت است که تأکید آن، بر انتقال مفاهیم دینی و غیردینی به‌گونه‌ای است که ذهن متربی کمتر متوجه آن شود. به عبارت دیگر، باید به‌گونه‌ای باشد که متربی را به صورت غیرمستقیم، به سمت و سوی گزاره مد نظر بکشاند^۲. این گونه تربیتی به تبع مقتضیات مختلف زمانی، مکانی، مخاطبی می‌تواند به روش‌های مختلف انجام شود؛ با گفتار، کردار، ایما و اشاره، تغییر چهره، لطیفه گفتن، فیلم، انیمیشن، کارتون و...؛ یعنی مطلبی را با زبان، عمل، اشاره و... به دیگری منتقل کنیم، اما او از این انتقال آگاه نگردد (ر.ک: بارون و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۱ و ۱۲۲ با تصرف).

با توجه به اینکه «روش تربیتی، شیوه بروز عمل یا فعالیتی است که به منظور تاثیرگذاری بر متربی، از مربی صادر می‌شود» (قائمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۲)، روش تربیتی غیرمستقیم، روش تربیتی‌ای است که تأکید آن، بر انتقال ناخودآگاه مفاهیم دینی و غیردینی به ذهن متربی است؛ یعنی روش انتقال مفهوم به متربی، به‌گونه‌ای باشد که او کاملاً یا بعضاً متوجه این انتقال نشود (ر.ک: بارون و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۱ - ۱۲۲).

۱-۱. تربیت غیرمستقیم از نگاه آیات و روایات

پذیرش تربیت غیرمستقیم، بر وجود ضمیر ناخودآگاه و لایه‌های زیرین شخصیت انسان استوار است. وجود این ضمیر از نگاه روان‌شناسی امری کاملاً اثبات شده است. از نگاه

۱. خط کشیدن در زیر این کلمه بدین خاطر است که تربیت غیرمستقیم مانند بسیاری از مفاهیم دیگر، ارکانی دارد و «انتقال مفاهیم» یکی از ارکان این گونه تربیتی است نه همه ارکان آن. از این رو نمی‌توان این اشکال را مطرح ساخت که تعریف «تربیت غیرمستقیم» به «انتقال مفاهیم» نادرست است.

۲. برخی معتقدند که اگر- در فرایند تربیت- متربی متوجه انتقال گزاره نشود، هیچ تربیتی صورت نگرفته است زیرا در تربیت، آگاهی متربی را شرط می‌دانند اما آگاهی داشتن، در تربیت مستقیم وجود دارد ولی در تربیت غیرمستقیم لزومی به آگاه بودن متربی نیست بلکه هدف نهایی، پرورش متربی است به‌گونه‌ای که او حتی ممکن است انتقال گزاره‌ها را درنیابد.

این علم، «ناخودآگاه، مخزن احساسات، افکار، تمایلات و خاطراتی است که خارج از آگاهی هشیار ما قرار دارند» (اسمیت^۳ و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۵-۲۱۶) و این بخش در بردارنده امیالی است که رفتار ما را جهت‌دار و مشخص می‌کند» (شولتز^۴، ۱۹۹۰: ۵۸).

وجود ضمیر ناخودآگاه مورد تأیید قرآن است و از مجموع آیات آن مانند: «أَنَّهُ يُعَلِّمُ السَّرَّوَّ أَخْفَىٰ» (طه، ۷)، «أَنَّ اللَّهَ يَحْوُلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال، ۲۴)، «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَهَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ»^۵ (فصلت، ۵۳) و از برخی روایات استفاده می‌شود که انسان دارای لایه‌های ناپیدای شخصیتی است که حتی از خود او نیز پوشیده است (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۷۷). توجه به برخی آیات مانند: «الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ* وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِرَهُ» (قیامت، ۱۴-۱۵) نشان می‌دهد که این حالت‌ها و لایه‌های ناخودآگاه می‌تواند به خودآگاه تبدیل شود (ر.ک: اعرافی، همان: ۲۱۰) و وقتی آموزه‌ای به شکل غیرمستقیم به بخش ناخودآگاه او فرستاده شود، امکان تبدیل شدن آن به یک رفتار آگاهانه در آینده وجود دارد.

قرآن نه تنها به بنیان این روش تربیتی مهر تأیید زده، بلکه در آیاتی از آن استفاده نیز برده است. چنان که در سوره مبارکه مائده آمده است؛ قایل بعد از کشتن هایبیل، نمی‌دانست با جسد او چه کند. خداوند کلاغی را می‌فرستد تا با کاویدن زمین به او نشان دهد که باید جسد برادرش را در خاک پنهان نماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ» (مائده، ۳۰-۳۱). روایات نیز این روش تربیتی را تأیید کرده‌اند چنان که در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّيَكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۱۹۸) که منطوق آن این است که به جای زبان، از رفتار که گستره فراوانی دارد، اخلاق، ورع (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۸: ۲۳۷) و هر حرکت غیرزبانی استفاده کنید.

3. Edward Smith.

4. Duane P. Schultz.

۵. زیرا او پنهان و پنهان‌تر را می‌داند.

۶. خدا میان آدمی و دلش حایل و مانع می‌شود.

۷. به‌زودی نشانه‌های خود را در کرانه‌ها و اطراف جهان و در نفوس خودشان به آنان نشان خواهیم داد.

۸. انسان خود به وضع خویش بیناست و هر چند برای توجیه گناهانش [بهانه‌ها بترشد.

۹. پس ادر کنار جسد برادرش سرگردان بود که [خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه جسد برادرش را پنهان کند.

۲. ضرورت به‌کارگیری تربیت غیرمستقیم

تربیت امری نسبی است و به روش‌های به‌کارگرفته شده برای تحقق آن، به تبع تغییر مقتضیات مختلف می‌تواند دگرسان شود و قبض و بسط پیدا کند (ر.ک: اردکانی، ۱۳۹۰: ۹). در عصر جدید با توجه به اقتضائات گوناگون و بروز و ظهور تغییرات کمی و کیفی بسیار در ابعاد مختلف زندگی انسان، شیوه و سبک زندگی او تطور یافته است (ر.ک: قربانی، ۱۳۹۷: ۴۵) و به تبع این تطور، روش‌های تربیتی نیز امری قابل‌تطور است، زیرا به‌کارگیری روش برای نیل به هدف است و هدف روش تربیتی تحویل دادن یک متربی به جامعه است به طوری که به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) برای زمان خویش صلاحیت داشته باشد؛ «لا تقیسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۲۶۷) و از آنجا که زمان‌ها و مکان‌ها در برخی ابعاد با یکدیگر تفاوت دارند، روش‌های به‌کارگرفته شده برای تربیت نسل‌های آن‌ها نیز تفاوت پیدا کرده، قبض و بسط می‌یابد و متکامل‌تر می‌شود.

علاوه بر این، در بحث سیستم‌ها، مفهومی به نام چندپایانی وجود دارد که می‌گوید اجرای یک روش واحد در چند خانواده ممکن است نتایج متفاوتی به بار آورد. به عبارت دیگر، ممکن است اجرای یک روش تربیتی در خانواده‌ای نتیجه‌بخش باشد، اما در خانواده دیگر با شکست مواجه شود (خوش‌خبر، ۱۳۹۰: ۳۰)؛ بنابراین، اتکا به یک روش، نه تنها در همه موارد منتج به نتیجه‌ای مفید نمی‌شود، بلکه گاهی عکس آن اتفاق می‌افتد و پیامدهای تخریبی به دنبال دارد. در تربیت غیرمستقیم، خودآگاه متربی متوجه غالباً انتقال مفاهیم نمی‌شود، زیرا پیام‌های زیر آستانه آگاهی، ذهن‌هشیار را دور می‌زنند و از جایی زیر آستانه درک وارد ذهن می‌شوند و در قسمت باورها می‌نشینند. از این‌رو، در این روش تربیتی، کم‌ترین حالت دفاعی نسبت به گزاره منتقل شده توسط متربی صورت می‌گیرد و یکی از بهترین روش‌ها برای انتقال گزاره‌های دینی و از جمله نماز به دانش‌آموزان نوجوان است که در سنین بلوغ قرار دارند.

۳. روش‌های تربیت غیرمستقیم

با دقت در منابع اسلامی، یک محور روشی برای این گونه تربیتی قابل استخراج است که می‌توان آن را «هنر» نام نهاد. هنر، واژه‌ای است که معنای واحدی ندارد و تعاریف متعدد و متناقضی از آن ارائه شده است (ر.ک: پوک و نیوئل^{۱۰}، ۱۳۹۲: ۲۳-۴۷؛ نبوی، ۱۳۷۸: ۴۸) و برخی نیز از تعریف‌ناپذیری آن سخن گفته‌اند (ر.ک: کرول^{۱۱}، ۱۳۹۳: ۴۵). معنایی که در این جستار مد نظر است، روش غیرمستقیم برای بیان مفاهیم و حقایق است (ر.ک: بستانی، ۱۳۷۱: ۱۲). روش هنری به این معنا، دامنه‌ای بسیار گسترده از روش‌ها را در بر می‌گیرد؛ روش‌هایی مانند بهره‌گیری از فیلم، کارتون، پویانمایی، تئاتر، نقاشی، خط، مسابقه، معما، قصه، شعر، سرود، خاطره، استفاده از ضرب‌المثل، لطیفه، انصراف ذهنی و... را شامل می‌شود و در آموزه‌های اسلامی، به مواردی چون تصویرپردازی‌ها، استفاده از حرکات‌های غیر زبانی^{۱۲} (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق، ج ۸: ۲۳۷) یا حرکات‌های زبانی غیر صریح^{۱۳}، عمل‌گرایی^{۱۴}، سرزنش‌های غیر مستقیم^{۱۵}... اشاره دارد. با توجه به مباحث قبل، اینک با استناد به روایات، به برخی از روش‌های تربیتی غیرمستقیم می‌پردازیم:

۳-۱. رفتارگرایی

یکی از گزاره‌های پرتکرار در آموزه‌های اسلامی، «عمل‌گرایی» است. خداوند در سوره مبارکه صف، قائلان بلاعمل را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ

10. Grant Pooke & Diana Newall

112. Carroll Noel

۱۲. «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ بِالْسِنْتِكُمْ»: «مردم را با غیر زبان، [به کارهای نیکو] دعوت کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵: ۱۹۸).

۱۳. «عَقُوبَةُ الْعِقْلَاءِ التَّلْوِيحُ»: «عقوبت کردن عقلاء با تلویح است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۴۶۶).

۱۴. «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ»: «مردم را با اعمالتان [به کارهای نیک] فرا بخوانید (حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۷۷)؛ نیز ر.ک: ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق: ۱۳۹؛ حکیمی، ۱۳۸۰ ج ۱: ۲۱۰.

۱۵. برای نمونه می‌توان به آیه ۲۳ سوره مبارکه اسراء اشاره کرد که می‌فرماید: [مَا يَنْبَغُنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرُ أَخَذَهُمَا أَوْ كَلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کثارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اف مگویی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن، و به آنان سخنی نرم و شایسته [اوزرگوارانه] بگو» (اسراء، ۲۳). این در حالی است که پیامبر ﷺ، پدر و مادرش را در دوران طفولیت از دست داده بود (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۷۵ ج ۱: ۱۱۳-۱۱۴). این سخن، از نگاه امام صادق (علیه‌السلام) نیز مورد تأیید است که فرمودند: بسیاری از خطابات قرآن به‌عنوان سرزنش پیامبر ﷺ نازل شده ولی مقصود خداوند دیگران بوده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۶۳۱).

تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲). «عمل گزایی، سه گزاره را در بر می‌گیرد: عمل به آنچه می‌داند؛ عمل به آنچه توصیه می‌کند و عمل به آنچه امر و نهی می‌کند» (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴۲). عمل گزایی گستره وسیعی را تحت پوشش قرار می‌دهد و مباحث مختلفی ذیل این موضوع قابل بحث است. چنان‌که ترویج یک معروف یا نهی از یک منکر با عمل نیز در حیطه آن قرار دارد. در این باره روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است که فرمودند: «امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خانه خود، اتناق متوسطی را برای نماز اختصاص داده بود. در آخر شب، اگر طفلی به خواب نمی‌رفت، امام او را به آن اتناق می‌آورد و نماز می‌خواند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۹۵).

از سیره حضرت چنین به دست می‌آید که یکی از اهداف ایشان از بردن کودک به اتناق مخصوص عبادت، این بود که فرزندش صدای نماز را بشنود و با عمل ایشان به فرمان خداوند، به شکل غیرمستقیم با عبادت الهی آشنا شود. این فعل حضرت، دعوت غیرمستقیم به یک معروف است و از آنجا که مخاطب این دعوت غیرمستقیم کودکان بوده‌اند، اثر ماندگارتری بر جان آن‌ها باقی می‌گذارد چنان‌که فرموده‌اند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»^{۱۶} (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۷۰).

عمل گزایی از منظر دیگر، عمل خود مربی به گفتار خود است. عمل مربی به گفتارهای خود باعث می‌شود تا مربی (فرزند یا دانش آموز و...) از آن تصویربرداری کند و الگوی خویش قرار دهد. او باید میان آنچه می‌بیند و آنچه می‌شنود، بتواند نوعی هماهنگی ایجاد کند تا از آشفتگی ذهنی در امان باشد و بتواند آموزه منتقل شده را به رفتار تبدیل نماید (سادات، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۲۲) نشان دادن رفتار نیک با عمل بهتر است گاهی به مربی نیز گوشزد شود تا دو بخش خود آگاه و ناخود آگاه او را درگیر کند و بهتر بر جان وی بنشیند. چنان‌که در روایت فرموده‌اند: «کار نیک انجام دهید و آن را به خانواده‌تان یادآور شوید» (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۲). چراکه امکان دارد گزاره منتقل شده از طریق فرایند القای غیرمستقیم، تاثیر بایسته خود را بر جای نگذارد.

۱۶. دل نوجوان مانند زمین خالی است، هر آنچه در آن انداخته شود، می‌پذیرد.

۲-۳. غرق کردن متربی در محبت خود

مهربانی و محبت از اصولی است که در امر تربیت بسیار باید مورد توجه قرار گیرد. در سیره رسول اکرم (ص) و معصومان دیگر گزاره‌های فراوانی درباره محبت به کودکان و نوجوانان وجود دارد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از محبت پیامبر (ص) در دوران کودکی خود چنین یاد می‌کند: «او مرا در حالی که کودک بودم، بر روی دامن خود می‌نهاد و بر روی سینه خویش جای می‌داد، مرا در بستر خود نگهداری می‌کرد و به تن خود می‌چسباند و بوی خوشش را به مشام من می‌رسانید. غذا را می‌جوید و در دهان من می‌گذاشت» (نهج البلاغه، خطبه قاصعه: ۱۹۲).

از پیامبر اکرم (ص) روایتی در بیان اهمیت محبت به کودکان با این عبارت نقل شده است: از ما نیست کسی که بزرگ ما را احترام نکند و به کوچک ما رحم نوزد (فیض کاشانی، ج ۳: ۳۶۵). همچنین در مقامی از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «خداوند به خاطر محبت انسان به فرزندش به او رحمت می‌کند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۲۰۱). احسان و محبت علاوه بر اینکه پاداش اخروی به دنبال دارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۲: ۹۱) یکی از روش‌های غیرمستقیم تأثیرگذارِ مربی بر متربی است و تحقیقات علمی نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ بنابر یافته‌های روان‌شناسان، هر چه مخاطبان نگاه مثبت‌تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند و احتمال بیشتری دارد که نگرش خود را مطابق نظر گوینده تغییر دهند، زیرا از آنجا که انسان‌ها سعی می‌کنند شناخت‌هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد بر حسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند تغییر می‌دهند. (داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۴۲). این مسئله در روایات اسلامی نیز مَهر تأیید خورده است. چنان‌که فرموده‌اند: «طَبِعَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ عَلَيْهَا وَ بُغِضِ مَنْ أَسَاءَ أَلَيْهَا؛ دل‌های آدمیان به گونه‌ای است که هر کسی به آنان نیکی و مهربانی کند، وی را دوست می‌دارند و هر کسی به آنان بدی و ناروایی کند، از او بیزارند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۱۸۴).

بنابراین، مهر و محبت والدین به فرزندان در بطن خانواده یا محبت معلم نسبت به دانش‌آموزان در مدرسه می‌تواند زمینه‌ساز جذب آن‌ها به سمت نماز شود. این کشش در صورتی ایجاد می‌شود که والدین و معلم، خود، اهل نماز باشند تا مهر و محبت آن‌ها به مخاطبان خود سبب شود تا از رفتارشان الگوبرداری کنند و گرنه مهر و محبت مربی‌ای که خود اهل نماز نیست، می‌تواند بیشتر سبب دور شدن مخاطبان خود از نماز شود. پس محبت مسبوق به عمل‌گرایی، ثمره‌اش تأثیر غیرمستقیم در جذب مرتبی به نماز است. این روش با روش توصیه محبت‌آمیز فرزند برای خواندن نماز تفاوت دارد، زیرا روش اخیر از گونه مستقیم است اما روش گفته شده یعنی غرق محبت کردن مرتبی به دفعات مکرر غیرمستقیم تأثیر خود را بر جای می‌گذارد.

۳-۳. تکریم شخصیت مرتبی

تکریم و احترام از روش‌های دیگری است که به شکل غیرمستقیم، اثر خود را در انتقال آموزه‌های دینی و دیندار کردن فرزندان و دانش‌آموزان بر جای می‌گذارد، اما این روش نیز مسبوق به عمل‌گرایی مثبت مرتبی است. تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسانی است و آن هم به دلیل وجود غریزه حب ذات است که در طبیعت وی نهاده شده و علاقه‌مند است دیگران شخصیت او را بپذیرند و گرامی بدانند (قائم‌امیری، ۱۳۸۳: ۲۵۸؛ اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵: ۲۵۸-۲۵۹).

با احترام و تکریم، بستری عاطفی فراهم می‌شود که زمینه را برای نهادینه شدن عزت و کرامت در افراد فراهم ساخته و هنجارهای ارزشی، انسانی و معنوی در خانواده و جامعه جایگاه متناسب خود را باز یافته و گسترش می‌یابد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سخنی فرموده است: فرزندان خود را تکریم کنید و گرامی دارید و با آنان با آداب نیکو معاشرت کنید (متقی هندی ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۴۵۶)؛ بنابراین احترام و ارزش قائل شدن برای کودک با توجه به احادیث، تأثیر بسزایی در یادگیری و شخصیت و جهت‌دهی آینده وی دارد که به مراتب عاقبت به خیری را به دنبال خواهد داشت.

در روایات زیادی، از تکریم و احترام نسبت به مُتربّی سخن به میان آمده است چنان‌که

از امیرمؤمنان (علیه‌السلام) منقول است که فرمودند: «با فرزندان‌تان به‌گونه‌ای برخورد کنید که آن‌ها خودشان را کریم و باشخصیت بدانند» (آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۴۵۶). این تکریم شخصیت در مدرسه و از سوی معلم نیز بسیار نیاز است. چنان‌که تأثیرات بسیار زیاد آن در فراز و فرود دانش‌آموزان در حکایات واقعی بازگو شده است. وقتی فرزندی مورد تکریم والدین یا دانش‌آموزی مورد تکریم معلم خود قرار گیرد، سبب الگوبرداری مربی توسط وی می‌شود و اگر والدین و معلم، خود، اهل نماز و عبادت باشند، در جذب دانش‌آموز به سمت نماز تأثیر قابل ملاحظه‌ای خواهد گذاشت.

۳-۴. بی‌اعتنایی و کم‌توجهی

یکی دیگر از روش‌های تربیت غیرمستقیم، کم‌توجهی و بی‌اعتنایی و قهر کردن کوتاه‌مدت به وقت انجام دادن کارهای منکر است. در روایت آمده است که کسی از دست پسرش نزد امام کاظم (علیه‌السلام) گله کرد. حضرت فرمود: او را نزن، از او دوری کن ولی دوری و قهر تو طول نکشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰۴: ۹۹).

علت توصیه به قهر موقت و کوتاه‌مدت به این خاطر است که طولانی شدن قهر نه‌تنها بار تربیتی مثبت ندارد، بلکه سبب بیشتر شدن شکاف میان مربی و متربی می‌شود. اگر فرزند یا دانش‌آموزی نماز نمی‌خواند، والدین یا معلم می‌توانند موقت نسبت به او سرسنگین و بی‌اعتنا باشند و علت این بی‌اعتنایی را نیز به‌گونه‌ای به او بفهمانند تا بداند که به‌خاطر کدام رفتارش با او این‌گونه رفتار می‌شود. در واقع، در این زمینه باید از روش تلفیقی «مستقیم- غیرمستقیم» بهره برد تا متربی به علت رفتار تربیتی متربی پی‌ببرد و سعی در اصلاح رفتار خویش کند. مثلاً اگر متربی تارک نماز است، بی‌اعتنایی در برخی موارد مخصوصاً زمانی که خواسته‌ای از مربی دارد، می‌تواند کارساز باشد. در واقع در بحث امر به معروف و نهی از منکر نیز بی‌توجهی به شخص گناهکار یکی از روش‌های مقابله با افراد است که ممکن است به نتیجه مطلوب برسد. متربی و والدین می‌توانند این روش را روی کودک انجام دهند که نمازش را ادا کند و این بی‌توجهی نباید به درازا بکشد که اثرات بد خود را خواهد گذاشت.

۳-۵. قصه‌پردازی

بخش ناخودآگاه ذهن تحت تاثیر القانات مثبت، در نقش‌های مثبت ظاهر می‌شود و همان چیزی را در صحنه عمل پیاده می‌کند که در باور نهفته او ثبت شده است (ر.ک: اریکسون، ۱۳۷۵: ۲۸). قصه‌پردازی و ترسیم و تصویرسازی زیبا از نماز در قالب قصه سبب می‌شود تا محرک‌های زیرآستانه‌ای^{۱۷}، نماز را به‌عنوان پدیده‌ای خوشایند در کنج ناخودآگاه ذهن ثبت کنند و این مسئله در سنین بالاتر به تدریج خود را بروز می‌دهد و فرد را به سمت نماز سوق می‌دهد.

قصه‌پردازی در قرآن نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته چنان‌که ۲۰۸ قطعه داستانی دربارهٔ موضوعات مختلف در این کتاب آسمانی آمده و ۶۳ سوره از آن حاوی قصه‌ای است؛ یعنی بیش از نیمی از سوره‌های قرآن با قصه‌پردازی به انتقال پیام خود پرداخته‌اند و این مسئله نشانهٔ اهمیت بسیار زیاد آن است. به‌وسیله قصه و داستان‌سرایی می‌توان کودک را تربیت کرد و با این روش، عملی را به‌صورت غیرمستقیم در ذهن کودک رشد داد و او را به آن سمت سوق داد و از نتایج خوب آن کار، کودک را آگاه کرد.

۳-۶. اجبار و تحمیل نکردن

یکی دیگر از روش‌های غیرمستقیم برای دعوت به معروف، تحمیل نکردن آن معروف به متربی است. در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است. چنان‌که از امیرالمؤمنین علیه‌السلام منقول است که فرمودند: «لا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَىٰ آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ؛ آداب و رسوم خود را به فرزندان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۲۶۷). اجبار فرزندان به نماز جماعت یا اجبار فرزندان به نماز اول وقت، سبب دلزدگی آنان از نماز می‌شود و نه تنها جاذبه ایجاد نمی‌کند بلکه دافعه نیز ممکن است به‌دنبال داشته باشد. به‌طور معمول، هر عملی که در آن اجبار وجود داشته باشد، برای شخص به‌سختی پیش می‌رود و لذتی نخواهد داشت. نماز که امری عبادی است باید در نهاد کودک به‌صورت خودجوش باشد و مربی و پدر مادر باید کودک را بتوانند به‌وسیله برخی اعمال تشویقی و جاذب، به سمت نماز جذب کنند. شایان ذکر است که در برخی روایات، از

17. Subliminal stimuli

«کتک زدن کودک برای امر به نماز»^{۱۸} سخن گفته شده است. این شیوه برفرض قبول، روشی مستقیم محسوب می‌شود و چنان‌که در خود روایت نیز آمده است، در همه سنین قابلیت اجرایی ندارد، اگرچه دستور به ضرب برای مناسک دینی، با آداب تربیتی ائمه علیهم‌السلام همخوانی ندارد (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۱: ۹۹).

۳-۷. تغییر چهره

بروز و ظهور خرسندی یا ناخرسندی در چهره و بهره‌گیری از سکوت به جای پاسخ دادن صریح به هر دلیلی که باشد، یکی از ابزارهای بیانی و از انواع هنری و از مصادیق روش غیرمستقیم محسوب می‌شود. تغییر چهره می‌تواند جاذب یا دافع باشد؛ یعنی گاهی برای تشویق به عمل معروف و گاهی جهت بازداشتن از عمل منکر می‌توان از آن استفاده کرد. این روش مانند روش «بی‌اعتنایی و قهر» درباره‌ی متربی‌ای می‌تواند به کار رود که تارک الصلاه است یا اینکه با لبخند بر لب آوردن و نشان دادن حس رضایت از نماز خوانی متربی، می‌توان او را بیشتر به امر نماز تشویق کرد.

۳-۸. استفاده از شعر

یکی از ابزارهای هنری برای پرورش غیرمستقیم متربی، بهره‌گیری از شعر است. «فاطمه زهرا علیها‌السلام فرزندش حسن علیه‌السلام را می‌رقصاند و می‌خواند: حسن جان! مانند پدرت علی علیه‌السلام باش. حق را آشکارا بیان کن و خدای منان را پرستش کن و با شخص کینه‌توز دوست مباش» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۳: ۳۸۹).

در اینجا، حضرت زهرا علیها‌السلام از دوروش برای انتقال آموزه‌های دینی به فرزندش بهره می‌گیرد؛ یکی رقصاندن فرزندش است (كَانَتْ فَاطِمَةُ تُرَقِّصُ ابْنَهَا) و دیگری بهره‌گیری از شعر است. امروزه با استفاده از کتاب‌های شعر و قصه، کودک را تربیت غیرمستقیم و او را به سمت نماز و کارهای مثبت دیگر رهنمون می‌کنند. در واقع با زبان خود کودک در قالب شعر به آن‌ها آموزش می‌دهند که این روش نیز آثار مطلوبی خواهد داشت.

۱۸. «مُرُوهُمْ بِالصَّلَاةِ وَ هُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَ هُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ»؛ آن‌ها را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ۱۰ سالگی بنزید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۵: ۱۳۳).

۳-۹. اشکال هندسی و نقاشی

یکی دیگر از روش‌های غیرمستقیم برای انتقال آموزه‌های دینی، بهره‌گیری از اشکال هندسی و نقاشی است. در حدیث صحیحی از جابر نقل شده است که «نزد پیامبر بودیم و ایشان یک خط کشیدند و سپس دو خط در سمت راست آن کشیدند و سپس دو خط در سمت چپ آن کشیدند و سپس دست خود را بر روی خط میانی گذاشتند و فرمودند: این راه خداست و این راه‌های دیگر، راه‌هایی هستند که بر روی هر یک از آن‌ها شیطان است که به سوی آن دعوت می‌کند» (ابن ماجه، ج ۱: ۶). توضیح مفاهیم دینی و ملموس‌سازی آن‌ها با اشکال ساده هندسی در حد سواد مردمان آن زمان، یکی از ابزارهای هنری و از نوع تربیت غیرمستقیم تلقی می‌شود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن برای جدا کردن راه خدا و راه شیطان و نشان دادن صراط مستقیم بهره برده است. این روش می‌تواند توسط معلم در کلاس یا والدین در خانه استفاده شود؛ با کشیدن اشکال هندسی یا نقاشی در تخته و ترسیم عمل عبادی نماز به عنوان پلی که انسان را به کمال و سعادت می‌رساند یا به عنوان هدف خلقت و نیز دیگر گزاره‌هایی که در آموزه‌های دینی برای نماز آمده است، این عمل عبادی در ناخودآگاه دانش‌آموز وارد شود.

۳-۱۰. حرکت نمایشی

حرکت نمایشی از دیگر روش‌های غیرمستقیم است که مصداق امروز آن را می‌توان «رسانه» نام نهاد. در روایت است که «روزی امام حسین علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام مردی را دیدند که اشتباه وضو می‌گرفت؛ از این رو شروع به دعوای ظاهری نموده و هر یک به دیگری گفت: تو وضورا درست انجام نمی‌دهی. بدین گونه توجه پیرمرد را به خود جلب نموده و گفتند: ای پیرمرد! هر یک از ما وضو می‌گیریم و تو داوری کن. پس از آنکه هر دو وضو گرفتند، پیرمرد که متوجه اشتباه خود شده بود، گفت: وضوی شما درست است ولیکن این پیرمرد نادان تاکنون درست وضو نمی‌گرفت و اکنون آن را از شما آموخت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۸۹).

در این قضیه، حسنین علیهم‌السلام به جای اینکه به نزد پیرمرد بروند و مستقیم نحوه وضو گرفتن را به او تعلیم دهند، با یک حرکت نمایشی نحوه گرفتن وضوی صحیح را به او یاد می‌دهند.

استفاده از فضای مجازی، الکترونیک و دیجیتال برای انتقال آموزه‌های دینی و تعلیم آن‌ها، از جمله ظرفیت‌های خوبی است که در این دوران باید مورد توجه قرار گیرد. پویانمایی، کارتون، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها و... از جمله مواردی است که مصادیق امروزی و توسعه‌یافته حرکت نمایشی به‌شمار می‌آید و با توجه به پیام‌های زیرآستانه آگاهی، در گذر زمان و به‌تدریج می‌تواند شخصیت فرد را به شکل کامل تحت تاثیر قرار دهد و انسانی دیندار را به انسانی بی‌دین و انسانی بی‌دین را تبدیل به انسان دین‌مدار تبدیل کند. با توجه به فراگیر شدن استفاده از رسانه‌ها، این مسئله بیش از پیش در مدرسه‌ها و محیط خانواده‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱۱. هدیه دادن و تشویق

هدیه دادن، از دیگر روش‌های غیرمستقیم است که در انتقال مفاهیم دینی به‌متربی بسیار موثر است. حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «تَهَادُوا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذَهَّبُ بِالضَّغَائِنِ؛ به یکدیگر هدیه دهید، تا زمینه‌ساز محبت میان شما به یکدیگر شود، پس به‌درستی که هدیه دادن کینه‌ها را از بین می‌برد» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۵: ۱۴۴). از امام حسن علیه‌السلام یا جابر بن عبدالله نقل شده است که نماز را در محضر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خواندم. همین که آن حضرت سلام داد، به ما فرمود: «صبر کنید، کوزه‌ای با مقداری حلواست» آن‌گاه برای تقسیم آن از جا بلند شد و به هر کس مقداری حلوا می‌داد تا اینکه به من رسید. من کودک بودم. آن حضرت انگشتی حلوا به من خورد، سپس فرمود: «باز هم بدهم؟» گفتم: آری! آن حضرت انگشتی دیگر به خاطر خردسال بودنم به من خورد» (طیبسی، ۱۳۷۳).

در حکایت فوق، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بین نمازگزاران حلوا پخش می‌کند و به‌نوع خود، حلوا می‌خورد. این کار حضرت نوعی هدیه دادن غیرمستقیم برای تشویق به نماز است، زیرا حضرت می‌توانست حلوا دادن را در غیر نماز نیز انجام دهد اما با انجام این کار هنگام نماز، از بُعد غیرمستقیم آن بهره برده است. بر اساس برخی روایات، حسنین (علیهم‌السلام) هنگام نماز خواندن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کنار او می‌ایستادند و در انجام اعمال نماز به

پدربزرگ خود تأسی می‌جستند. آن حضرت نیز پس از نماز، آنان را نوازش می‌کرد و بر پای خود می‌نشاند و به نوعی مشوق آنان در ادای نماز بود (مجلسی ۱۳۵۴، ج ۱۰: ۳۰۵). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با این عمل به آن‌ها نشان می‌داد که از رفتارشان خشنود گشته و این نوازش و توجه به سبب عمل آن‌ها بوده است و آن‌ها با دریافت این نوع رفتار از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای انجام نمازهای بعدی مورد تشویق قرار خواهند گرفت که این نیز نوعی تربیت غیرمستقیم محسوب می‌شد.

۱۲-۳. تمثیل و تشبیه

تمثیل از دیگر روش‌هایی است که در روش غیرمستقیم استفاده می‌شود. در روایتی از ابوعثمان منقول است که گوید: با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودم، او شاخه خشکی را گرفت و تکان داد. همه برگ‌هایش فرو ریخت. آن‌گاه به من گفت: نمی‌پرسی چرا چنین کردم؟ گفتم: چرا این کار را کردی؟ در پاسخ گفت: يك وقت زیر درختی در محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشسته بودم، حضرت شاخه خشک درخت را گرفت و تکان داد. تمام برگ‌هایش فرو ریخت. سپس فرمود: سلمان! سوال نکردی چرا این کار را انجام دادم؟ گفتم: منظورتان از این کار چه بود؟ فرمود: وقتی که مسلمان وضویش را به خوبی گرفت، سپس نمازهای پنج‌گانه را به جا آورد، گناهان او فرو می‌ریزد، همچنان که برگ‌های این درخت فرو ریخت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲: ۳۱۹).

در روایتی دیگری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که خطاب به اصحاب خود فرمودند: «در خواب چیزهای عجیبی دیدم. اصحاب گفتند: یا رسول الله چه دیدی؟ فرمود: مردی از مسلمانان را دیدم که عذاب قبر او را فرا گرفته بود. وضویش آمد و مانع عذابش شد. مردی از مسلمانان را دیدم که ملائکه عذاب او را احاطه کرده بودند، نمازش آمد و مانع ملائکه عذاب شد» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۳۱). در این روایت نیز مانند روایت پیشین، با بیانی تمثیلی، به شکل غیر مستقیم به نماز و وضو تشویق شده است. روش‌های غیرمستقیم برای انتقال و تعلیم آموزه‌های دینی موارد زیادی را در بر می‌گیرد که در این مقاله با استناد به متون روایی، به برخی از آن‌ها پرداخته شد.

نتیجه‌گیری

تربیت غیرمستقیم، گونه‌ای از تربیت است که با هدف پایایی و پویایی آموزه‌های دینی در وجود متربی، گزاره‌ها را در فرایند القای «پیام‌های زیرآستانه آگاهی»، به بخش ناخودآگاه ذهن و ضمیر ناخودآگاه او منتقل می‌کند که ثمره بهره‌گیری از این روش، پرورش انسانی پویاست که علاقه‌مندی به دین را در سنین بالاتر نیز حفظ می‌کند و با باور به آموزه‌های دینی مسیر زندگی خود را طی می‌کند. این پژوهش با توجه به وجود لایه‌های پنهان شخصیتی در انسان و نیز با مد نظر قرار دادن مسئله دگرسانی، روزآمدسازی و چندپایانی بودن فرایند تربیت، به این نتیجه رسیده است که خداوند متعال و پیشوایان اسلام برای انتقال و ملکه‌سازی آموزه‌های دینی که نماز نیز یکی از آنهاست، علاوه بر اینکه با گفتار صریح و مستقیم، به متربی امر یا سفارش می‌کردند، از روش غیرمستقیم نیز که در تعریف کلی، متکی بر هر حرکت غیرزبانی و ناخودآگاه است، بهره می‌بردند. الگوبرداری از این سیره، اهمیت به کارگیری روش غیرمستقیم در خانواده را برای سوق دادن فرزندان به نماز نشان می‌دهد که با راهکارهای مختلفی مانند استفاده از تمثیل و تشبیه، بی‌اعتنایی و کم‌توجهی، تکریم شخصیت، تحمیل نکردن گزاره، تغییر چهره، نمایش و رسانه، تصویرسازی، هدیه‌دادن، توجه به ابعاد رفتاری، بهره‌گیری از شعر، قصه‌پردازی، نقاشی و اشکال هندسی و... قابل تحقق است. با این حال، برای تاثیر مضاعف روش‌های غیرمستقیم بهتر است گاهی مواقع، آموزه منتقل شده از طریق غیرمستقیم، برای متربی با بیانی مستقیم نیز بازگو شود. استفاده از روش‌های غیرمستقیم در امر تربیت می‌تواند آثار مثبت فراوانی بر متربیان بر جای بگذارد و زمینه خوبی را برای تشویق به امر نماز و پایدارسازی آن در وجود متربیان فراهم سازد.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید. (۱۳۸۳). مترجم: حسین انصاریان، قم: اسوه.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق.). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.
- ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق.). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام. محقق: فیضی آصف. قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن محمد. (۱۴۰۴ق.). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق.). مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام. قم: علامه.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق.). عده الداعی و نجاح الساعی. تهران: دار الکتب الاسلامی.
- ابن ماجه، محمد بن یزید. (بی تا). سنن ابن ماجه. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک. (۱۳۷۵). زندگانی محمد صلی الله علیه و آله. مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی. قم: کتابچی.
- اریکسون، میلتون. (۱۳۷۵). قصه‌درمانی. مترجم: مهدی قراچه داغی. بی جا: نشر اوحدی.
- اسماعیلی یزدی، عباس. (۱۳۸۵). فرهنگ تربیت. چاپ دوم. قم: مسجد مقدس جمکران.
- اسمیت، ادوارد، و همکاران. (۱۳۸۸). زمینه روان‌شناسی هیلگارد. مترجمان: حسن رفیعی و محسن ارجمند. تهران: ارجمند.
- اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۶). فقه تربیتی. مهدی شکر الهی. قم: موسسه اشراق و عرفان.
- _____. (۱۳۹۳). ضمیر ناخودآگاه در قرآن. سید تقی موسوی. قم: اشراق و عرفان.
- بارون، رابرت و بیرن، دان و برنسکامب، نایلا. (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی. مترجم: یوسف کریمی. تهران: روان.
- باقری، خسرو. (۱۳۶۵). نقد و بررسی فنون تربیت کودک. مجله تربیت. شماره ۷. صص: ۳۶-۳۹.
- بستانی، محمود. (۱۳۷۱). اسلام و هنر. مترجم: حسین صابری. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- یوک، گرانت و نیوئل، داینا. (۱۳۹۲). مبانی تاریخ هنر. مترجم: مجید پروانه پور. تهران: ققنوس.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق.). غررالحکم و دررالکلم. قم: دار الکتب الاسلامی.
- حاجی ده‌آبادی، محمد علی. (۱۳۹۵). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله.
- حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۶۸). اسلام و تعلیم و تربیت. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
- حکیمی، محمد رضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی. (۱۳۸۰). الحیاة. مترجم: احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق.). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت.
- خوش خبر، عباس. (۱۳۹۰). رازهای کودک من. تهران: آیدین.
- دارمی، عبدالله بن بهرام. (بی تا). سنن الدارمی. دمشق: مطبعة الاعتدال.

- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۰). درباره تعلیم و تربیت در ایران. تهران: سخن.
- داوودی، محمد. (۱۳۸۵). نقش معلم در تربیت دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد، و حسینی زاده، سید علی. (۱۳۹۶). سیره تربیتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام). قم - تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سمت.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب الی الصواب. قم: الشریف الرضی.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۶۹). تربیت غیرمستقیم. مجله پیوند. شماره ۱۳۵. صص: ۱۲-۱۵.
- سادات، محمدعلی. (۱۳۸۸). راهنمای پدران و مادران. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سادبی، علی. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر در ترغیب دانش‌آموزان به نماز. مجله نامه پژوهش. سال ششم. (۱ و ۲). صص: ۱۳۷-۱۶۱.
- شکریان، مریم. (۱۳۸۷). سیره تربیتی انبیاء در قرآن. مجله قرآنی کوثر. شماره ۲۷. صص: ۳۳-۴۹.
- شولتز، دوان. (۱۹۹۰م). نظریه‌های شخصیت. مترجمان: یوسف کریمی و همکاران. تهران: ارسباران.
- صانعی، سید مهدی. (۱۳۷۵). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ضرابی، عبدالرضا. (۱۳۸۸). مجموعه مقالات تربیتی؛ تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طیسی، محمد جواد. (۱۳۷۳). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام). <http://ghadeer.org/Book/69251/443/>
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق. قم: الشریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الامالی. قم: دار الثقافة.
- علم الهدی، علی بن حسین. (۱۹۹۸م). أمالی المرتضی. محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل. قاهره: دار الفکر العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). التفسیر. محقق: هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمیة.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (بی تا). محجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء. چاپ دوم. قم: انتشارات اسلامی.
- قائم امیری، علی. (۱۳۸۳). خانواده و مسائل همسران. چاپ سیزدهم. تهران: امیری.
- _____ (۱۳۷۰). پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان. چاپ چهارم. تهران: امیری.
- قائم مقدم، محمد رضا. (۱۳۹۱). روش‌های تربیتی در قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاهی با همکاری سمت.
- قربانی، امیر. (۱۳۹۷). مجموعه مقالات سبک زندگی. تهران: موسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.
- قطب، محمد. (۱۳۷۵). روش تربیتی اسلام. مترجم: سید محمد مهدی جعفری. شیراز: دانشگاه شیراز.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.
- کرول، نوئل. (۱۳۹۳). نظریه‌های معاصر هنر. مترجمان: میترا آریا و همکاران. بی جا: مدرسه اسلامی هنر.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۷۵). «ملاحظات در تربیت دینی». مجله تربیت. شماره ۱۰۷. صص: ۴۹-۵۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۶۹). اصول الکافی. مترجم: سید جواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۸۲ق). شرح الکافی - الاصول و الروضة. تهران: المکتبه الاسلامیه.

- متقی هندی، حسام‌الدین. (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسة الرساله.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح، معصومه. (۱۳۹۷). «نقش مادران مذهبی در ترغیب فرزندان به نماز». مجله معارف فقه علوی. سال چهارم (۳). صص: ۴۲۰-۴۴۲.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الاختصاص. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- موگهی، عبدالرحیم. (۱۳۸۰). «روش‌های تربیت دینی». مجله مبلغان. شماره ۱۸. صص: ۴۳-۴۹.
- هیوود هرست، پل، و استنلی پیترز، ریچارد. (۱۳۸۹). منطق تربیت؛ تحلیل مفهوم تربیت از نگاه فلسفه تحلیلی. مترجم: فرهاد کریمی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- یارمحمدی، سمیه. (۱۳۹۰). «شیوه‌های ترغیب و جذب کودک به نماز با محوریت خانواده». مجله طهورا. سال چهارم (۱۱). صص: ۴۳-۷۶.
- یزدی، سید عباس. (۱۳۷۸). چپستی هنر. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد-قطران.

P.H. Hirst and R.S. Peters (1989). *The Logic of Education*, London: Routledge.